

بنای نظامیه

بقلم آقای خواجه نوری

لیسانس دارالمعلمین عالی

بنای نظامیه از ابتیغه زیباییست که در قرن اخیر در طهران ساخته شده، مخصوصاً چون در تالار این عمارت تصاویر گرانبهای از رجال معروف دربار قاجاریه و برخی از سفیران خارجه زمان هست لازم دیدیم که تاریخ بنای آن و قسمتی از تصاویر مزبور درین مجله طبع شود و چون برای تهیه مقاله‌های درین موضوع از آقای خواجه نوری شایسته ترکیبی نبود از ایشان خواهش کردیم که اطلاعات خود را در تاریخ بنای نظامیه برای طبع در مجله مرقوم دارند و ایشان نیز از راه لطف خواهش ما را پذیرفتند.

یکی از نفیس ترین عماراتی که اوایل قرن اخیر در طهران بنا شده، عمارتی است که در ضلع شمالی باغ نظامیه بفرمان میرزا آقاخان اعتماد الدوله صدر اعظم برای فرزند محبوبش نظام‌الملک ساخته شده، که تاریخچه مختصر آن اینست.

هنگامیکه میرزا آقاخان در زمان محمد شاه وزارت لشکر داشت، بواسطه گرمای شدید طهران ب فکر افتاد که برای گذراندن ایام تابستان بیرون شهر باغ و عمارتی ترتیب دهد. بنا بر این چند محل را در نظر گرفت، و اراضی وسیعی در محل فعلی نظامیه و دادویه و نظام آباد خریداری کرد، اما مدتی نگذشت که معضوب گردیده تبعید شد، تا اوایل سلطنت ناصرالدین شاه بصدارت رسید، و داشتن مکانی را نزدیک عمارات سلطنتی نگارستان که دربار تابستان با نجا منتقل میشد ضروری دید، و از سه محل فوق اراضی نظامیه را که جنب نگارستان بود بر دو محل دیگر ترجیح داد، و در سال ۱۲۶۸ با بادی اراضی مزبور و حفر قنات نظامیه و بنای سه دستگاه عمارت در شمال و مغرب و وسط این باغ امر نمود و در ظرف دو سال متجاوز از صد هزار ذرع زمین را محصور و مشجر ساخت.

طولی نکشید که نظامیه از بهترین نمونه شاهکارهای آن عصر شد، و شعرای بزرگ آن دوره مثل سروش، قاجانی، ادیب‌الملک، محرم، آگاه و غیره در توصیف آن بنظم قصایدی غراء پرداخته اند که فقط بذکر قصیده از سروش که در کتیبه سنگ های مرمر طالار منقش است اکتفا خواهد شد.

طول این باغ از نگارستان تا خیابان چراغ برق و عرض آن از خیابان نظامیه تا خیابان مسعودیه ظل السطان بوده است. در طرف شمال باغ جنب میدان عمارت زیبای آن معروف بعمارت صف سلام بنا شده بطوریکه تمام باغ منظر آن بوده، و از طرف شمال نگارستان و عمارت آن دیده میشده. این عمارت بنائی است دو طبقه که جلوه دو مرتبه ایوانی سراسری دارد. مرتبه تحتانی آن بیش از ربع ذرع عمق ندارد و عبارتست از یک حوضخانه که تمام از سنگ مرمر و سماق ساخته شده بود و سنگ های سماق آن هنوز برجاست. حوض مرمر فشنگی در وسط آن قرار دارد که یک پارچه از سنگ است و آب آن پس از لبریز شدن بپاشویه مرتفع و از آن بپاشویه ثانوی ریخته خارج میشود. طول و عرض و هیئت بنای این حوضخانه بعین طالار مرتبه دوم است و در جنبین آن اطافها و راهروهای طبقه فوقانی میباشد.

طالار گرانبهای این عمارت روی حوضخانه قرار گرفته، و اطافهای اطراف آن مانند مرتبه زیرین است. طول این طالار ۱۰ متر و عرض آن ۶ متر و ارتفاع

آن ۶ متر است. ضلع جنوبی آن را درهای تمام شیشه (ارسی) تشکیل می دهد، که چوبهای آن منقوش است. ضلع شمالی آن دارای شاه نشین و دو زاویه برای مدخل میباشد، اضلاع شرقی و غربی آن درهای تمام شیشه بین طالار و اطاقهاست. سقف طالار مزبور تمام مجسس و منقش و آینه کاری بوده است که بدبختانه جز شاه نشین آن اثری از متن سقف طالار باقی نمانده، و عات آن بوده که این عمارت ابتدا بامی کاهگلی داشته و طول و عرض آن نسبتاً زیاد بوده، لذا نفوذ برف و باران گنج بری و نقاشی و آینه کاری آنرا خراب کرده و بعد ها که تبدیل بشیروانی شده با حیای آن اقدام نگر دیده و فعلاً سقف درونی از کاغذ است. اما بدنه طالار که نقاشی آن نفیس ترین قسمتهای آنست خوشبختانه بحال خود باقیست، و از چند قسمت تشکیل شده است.

۱ - قسمت هزاره که با ارتفاع يك متر از سنگ مرمر بسیار اعلائی یزد میباشد و دارای متن و کتیبه است. متن آن با طلای اشرفی بقلم میرزا فتح الله شیرازی نقاشی شده و زمینه کتیبه آنرا گل و بوته های برجسته تشکیل میدهد، که با نهایت دقت و ظرافت حجاری نموده اند. در وسط زمینه آن کتیبه ها اشعاری از شمس الشعراء میرزا محمد تلیخان سروش اصفهانی است که در وصف نظامیه و تاریخ بنای آن سروده و با نستعلیق برجسته بخط کاتب معروف میرزا محمد حسین شیرازی و بدست حجاز ماهر استاد غلامعلی اصفهانی انجام پذیرفته است، و آن اشعار اینست:

چشم بد دور دراز از بی نظاره در آی
سروهایش همه پوشیده ز پیروزه قبابی
در نگر باغ نظامیه و انگشت بجای
از بی آنکه بود کنگره اش کیوان سای
خلد آراسته بینی چو نهی در وی پای
خرمی آید و گوید که منم در بگشای
کرد بر نام نظام الملك این قصر بیای
خواجه بهر ملک این قصر خورنق آسای
همه بنگاشته در صفة او جای بجای
که نزاده است چو ایشان فلك نادره زای
چو بر اعیم و چو اسحق بر عرش خدای
کز تصاویر نو آئین بود ارتنگ نمای
ای نظامیه طربزائی آبادیای (۱۲۷۰)

غیرت خلد و خورنق بود این باغ و سرای
لاله هایش همه بگرفته ز بیجاده قنح
گو برضوان چه همی نازی بر باغ بهشت
نرسد وهم مهندس بسر کنگره اش
چرخ افراشته بینی چو ز دورش نگری
سوی دربانش هر روز بهنگام سحر
بهر زهنگه سلطان جهان صدر اجل
وزرا قصر ز بهر دل خویش آرایند
بهر بهرام بیاراست خورنق نعمان
صورت شاه و بزرگان در شاه جهان
بسران ملک غازی یکسو زده صف
خواجه و زاده خواجه بر تخت ملک
دیده از دیدن ایوانش ارتنگ شرد
کلك مشکین سروش از بی تاریخ نوشت

۲ - قسمت بین هزاره و برده های نقاشی که مجسس و منقش و بعضی قسمتهای آن آینه کاری شده است.

۳ - قسمت فوقانی جنا را برده های نقاشی ممتازی که اثر دست استاد ماهر میرزا ابوالحسن خان نقاشی ملایب بصنیع الملك فرزند میرزا ابوتراب کاشانی است پوشانده. این برده ها مرکب از هفت قطعه و شامل هشتاد و چهار صورت است، از

معارف وزرا، امرای لشکر، شاهزادگان، اباخانان، اعیان، سفرا، وغیره که در واقع مجوعه ایست از رجال نامی بزرگت ایران در آن عصر که روزسلام حاضر بوده اند. این طالار مخصوص پذیرائیهای رسمی و اعیاد بزرگ بوده است. در عید نوروز پس از اختتام سلام اعتماد الدوله از شهر بنظامیه میامده و بپذیرائی شعرا و استماع اشعار ایشان میپرداخته و بهر يك علی قدر مراتبهم صلّه میداده است. موقعی که خبر انجام کار خوارزمیه و ارسال سر خوارزمشاه را بطهران آوردند در نظامیه ضیافتی بود، و شعرا نیز حاضر بودند، راجع باین موضوع هر يك بنظم قصید پذیرداختند که از آنجمله است قصیده معروف سروش که بمدح پادشاه خاتمه مییابد و مطاعش اینست

افسر خوارزمته که سود بکیهان با سرش آمد در این مبارک ایوان

این طالار که معرف کاملی برای صنایع طریقّه ایران و بالتبجیه مظهر ذوق و فکر و تمدن مات ماست حقیقه موزه ایست از نقاشی، حجاری، معماری، آینه کاری کج بری و منبت کاری که اگر دو سه قرن دوام میکرد یکی را ابنیه مهم تاریخی بشمار میرفت، تا حال نیز چندان آسیبی به آن نرسیده، ولی چون محلی عمومی شده خواهی نخواهی روز بروز رو بنقصان میرود، و البته مرمت ناپذیر خواهد بود چه اگر اصلاح هم بشود اثر این زمان است نه یادگار آن روزگار.

نقاشی های طالار مذکور در اواسط جنگ بین الممالی برای موزه قسطنطنیه تا صد هزار تومان خریدار داشت و بمناسبت همین ذقیمتی است که تا حال بین وراث مرحوم نظام الملك تنسیم نشده است. اطاقهای جنبین طالار نیز دارای نقاشیهای روی گچ بوده که بکلی محو شده است.

چار این عمارت عالی استخری بطول و عرض ۲۵ ذرع واقع شده که مظهر قنات نظامیه است و بر شکوه عمارت مزبور میافزاید. آب آن پس از لبریز شدن و ریختن از آبشار از شمال بجنوب تمام طول باغ را در جدولهای کاشی و سنگ سیر میکرده و ازدور حوضهای چهارگانه عمارت سه مرتبه وسط باغ معروف بکلاه فرنگی عبور نموده خارج میشد و در وسط این جداول و اطراف حوضها بفاصله های مختلف از دو ذرع تا پنج ذرع فوازه هایی قرار داشت که آب آن تا ارتفاع يك ذرع و نیم جستن میکرده و بطراوت و شکوه باغ میافزوده است. قسمتی از این آب هم بحوضخانه

۱ - عموی آقای کمال الملك استاد عالی مقام معاصر است و میرزا طاهر

دیباچه نگار اذرا در فن نقاشی چنین توصیف مینماید:

«... که در حقیقت نقش نی بلکه سمر از او ناشی است و سالهای بسیار و روزگار بیشمار از پی تکمیل این فن مشقتها دیده و صدمهها خورده و رنج سفر اروپا و افرنج برده و حالیا هفتم سال است که از ایتالیا معاودت نموده و اکنون بتصدیق و اتفاق کل استادان ایران و فرنگ در رنگ آمیزی و نیرنگ خاصه در شبیه سازی کارش از حدسمر گذشته و بمعجزه پردازی رسیده

آنچه کاکش میکند بر صفحه هنگام طراز هر گز اندر صفحه کاک مانی و آزر نکرد

تفصیل حال و توصیف کمال وی زیاده بر اینهاست ...»

مرمر عمارت سه مرتبه مزبور وارد میشده و از فواره های وسط و اطراف حوض که که در سنگهای مرمر تعبیه شده بود جستن نموده بخوض هشت ضلعی وسطه بریخته است. این حوضخانه که در وسط عمارت قرار داشته و از چهار طرف در های اطاقها به آن باز میشده بسیار دیدنی بوده و ارتفاعش بواسطه سقف گنبدی و کلاه فرنگی که روی آن ساخته شده بود از ارتفاع عمارت تجاوز میکرده و به بیست ذرع میرسیده که تمام آن از درون مجسس و آینه کاری و نقاشی بوده است.

میرزا طاهر دیباچه نگار متخلص بشعری در ضمن شرح مفصلی راجع بابیه و آثار میرزا آقاخان صدراعظم در باب نظامیه چنین مینویسد: «... و آنجناب را بناهای چنداست که همه مینوهداست و فرخنده سرشت بزهت فردوس صفای بهشت که مهندسان شیده ۱ نظیر و مرتسمان سمنار ۲ تدبیر نخست در تشیید بنیان و تسنیم ایوان هر یک پشت ماهی سودند و روی ماه فرسودند تا بتأسیس روضه غلبا و ترصیص حدیقه علیا استوار و سپس بدستیاری حجاران فرهاد نهاد و نقاشان مانی نژاد کتابه و ازاده بیوات و عرش و فرش حجران آنها بنقشهای عجیب و صورتهای دلفریب آراسته تراز رسته فرخار و غیرت کارخانه قندهار ساخته گشت و پرداخته آمد.

بساتینها للمسك فیها روائج	و اشجارها للریح فیها ملاعب
و من تحتها الاثمار تجری میاهها	فقایضة منها و منها سواکب
کان مجاریها سبابك فضة	تذاب و اسیاف بهن قواضب

مشمول بر اشکال هندسی و صور اقلیدسی و غرفات فردوس مماثل و شرفات جوزا حمایل مشید و منور و مصفا و مصور منقوش بصحف انگلیون و مفروش بدیباي بوقلمون از جمله یکی را جای بنا انحصار بجنب حصار دارالخلافه یافت و از آنجا که وضع آن اساس گردون مماس برفت قدر و وسعت صدر و فرجاه و شکوه درگاه و رزانت رای و طیب خاق و پاکی سرشت و علو همت و صفای طینت جناب جلالتآب اجل اکرم امجد نظام الملك انجام پذیرفت نظامیه نام یافت و هم اکنون رونق بنیادش بیکر دارالخلافه را و شاح الصدراست و سواد نهادش ایام جلالت را لیلۃ القدر خورنق نعمان از رشك رونق آن سردر پیش است و قصر غمدان مانده نام خویش و از شرم مشکوی بهشت شکوهش شبستان خسروی عرق ریخته و نگارستان ماوی ورق گسیخته فالارض قد زینت بکل بدیعه و تبرجت فی حله خضراء و السحب تسمع بالقطار کانما تحکی نظام الملك فی الاعطاء

گوئی که ماه و مشتری از اوج آسمان تحویل کرده اند بیباغ خدایگان از بسکه بر بهشت فزونی است باغ را رضوان همی حسد برد اکنون بیباغان زاسیب چنبر فلك اندر فراز او برکنگره خمیده رود مرد یاسبان

۱ - شاگرد سمنار ۲ - معمار نعمان بن منذر که قصور خورنق و سدیر

از شاهکار های او بوده .

اطراف آن چمن از وفور سوری و سمن و نسرين و شقایق مانند حدایق
ذات بهجة رایق و گل آفتاب سپهر بر چهر خیری بستانش خیره و صفای گلشن فردوس
با نزهت اطرافش تیره چشم عبرش فتنه خیز طره شمشادش دلاویز اسپر غمش
سیرغم بوی وردش داروی درد و الم .

سروش افراخته قامت چو خرامنده یری کاش افروخته طاعت چو فرینده صنم
سنبش آمده چون طره ترکان طراز نرگش آمده چون چشم غزالان حرام
سروش بلبل و جوش صاصل و مرغول هزار و شکنج ساز بر اغصان و افغان
درختاش همانا طنطنه عود است و دندنه رود .

نوی بلبل ز قمری خروش عکس و سار بپرده آب همه اجزهای خنیاگر
و در ساخت آن باغ مینو مساخت و حوزه آن روضه بهشت مانند بر که است که
موجش جوی مجره را بواج سایب و عکس ماه نواندر آن مانند ماهی نماید .
درخشنده چون جرم اختر حبابش گوارنده مانند گویتر آبش
بحکم لمن الماء کل شیء حی مایه آرامش و آسایش صادر و وارد است و آیت
هذا مغتسل بارد درشان وی وارد و بالجماعه از آب و هوا و روح و قضا و قدر و عظمت
و وضع و بنا

مجمعل عالم تفصیل جهانست این باغ خواهد این معنی تفصیل که گفتم نجمل
اگر کلک دیباچه نگار آن خداوند کار را بدنیای این شگرف سراو کاخ گردون سا
جهان آفرین خواند و بدین نسبت برخویش آفرین راند رواست . اعیان شعرا از
شاهزادگان و امرا هر یک در مدیح آن خجسته بنا قصاید غرا انشاء و تاریخ سال
انجام و بنای آنرا بمضامین بلند و عبارات دلکش و بیانههای تفر و اسالیب نیکو
بنظم آورده نواب اردشیر میرزا «این نظامیه بمینو ماند» نوشته وهم اوراست
گفت آگاه بهر تاریخش بچنان ماند این نظامیه

سخن سنج ادیب و دانشمند لایب ادیب الملک عبد العالیخان
زد رقم کلک ادیب از بی تاریخ بنا بی و ایوان نظامیه زبانی محکم
سرود و افصح بلغای عرب و عجم میرزا عبد الوهاب متخلص بمحرم «محکم زری ای بنای
نظامیه جاودان» عرض کرده...»

بنابر آنچه میرزا فضل الله وزیر نظام مهین برادر میرزا آقاخان صدر اعظم
مینویسد متجاوز از صد هزار تومان پول آنزهان مصرف نظامیه گردیده است و در
تاریخ ۱۲۷۱ ه . بنای آن خانمه یافته و این بیت سروش از قصیده فوق اند کر ماده
تاریخ آنست ولی مسامتا ظرافت کاریهای آن از نقاشی و حجاری در ۱۲۷۳ انجام پذیرفته
کلک مشکین سروش از بی تاریخ نوشت ای نظامیه طرب زانی آباد بیای
باغ مزبور برور تجزیه شد تا آنکه در سال ۱۳۳۶ ه . قسمت اعظم آن
که پنجاه هزار ذرع بود بین وارث مرحوم نظام الملک تقسیم گردید .